برنامه‌های رسانه ملی برای جام جهانی



رئیس سازمان صداوسیما با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای پوشش رقابت‌های جام جهانی، از آمادگی رسانه ملی برای انعکاس این رویداد مهم خبر داد و تأکید کرد تمهیدات لازم برای پوشش مطلوب مسابقات در نظر گرفته شده است. دکتر پیمان جبلی گفت: اقداماتی که باید انجام شود تا بتوانیم این مسابقات را به بهترین نحو ممکن به سمع و نظر مردم عزیز و محترم برسانیم، در سازمان صداوسیما انجام شده است. جلسات هماهنگی متعددی بین رسانه ملی، وزارت ورزش، فدراسیون و نهادهای ذی‌ربط برگزار شده است. آمادگی رسانه ملی برای پوشش این رویداد بسیار مهم، به نقاط نهایی خود نزدیک می‌شود. رئیس رسانه ملی درباره اعزام تیم رسانه‌ای صداوسیما نیز ادامه داد: اگر امکان اعزام خبرنگار و گرفتن ویزا برای تیم رسانه‌ای صداوسیما وجود داشته باشد، ما افرادی را معرفی کرده‌ایم و امیدواریم این اتفاق انجام گیرد اما اگر با کارشکنی آمریکایی‌ها روبه‌رو شویم، راه‌حل‌های جایگزین دیگری هم داریم تا پوشش رسانه‌ای این مراسم دچار مشکل نشود. دکتر جبلی با بیان این‌که برای پوشش این رویداد، تدابیر متعددی پیش‌بینی شده است، اضافه کرد: همان‌طور که برای مقابله با جنگ ناجوانمردانه و ظالمانه‌ای که دشمن به ما تحمیل کرد، لایه‌های پدافندی متعددی را در نظر گرفته بودیم، برای پوشش این برنامه بسیار مهم و مورد توجه همه مردم ایران هم تدابیر متعددی در نظر گرفته‌ایم که اگر هرکدام از این موارد به نتیجه نرسید، بتوانیم بالایه دیگری پوشش رویداد را پیش ببریم و بتوانیم به وظیفه خودمان در مورد این رویداد بسیار مهم عمل کنیم.

رئیس سازمان صداوسیما برای تیم ملی فوتبال آرزوی موفقیت کرد و افزود: برای تیم ملی فوتبال کشورمان نیز آرزوی سربلندی داریم. ان‌شاءالله این تیم بتواند دل مردم عزیز ایران را شاد کند و با صعود به مراحل بالاتر، افتخاری دیگر برای کشور رقم بزند.

صداوسیما؛ ایستاده زیر آتش

رسانه ملی باوجود اتهامات غرض‌ورزانه، همیشه با قدرت در صحنه مانده است

اصغر توسلی
گروه رسانه



می‌شود گفت هنوز صدای حملات همه‌جانبه‌ای را می‌شود احساس کرد که هدف همگی رسانه ملی است. آنطور که روز گذشته روزنامه‌های سازندگی و آرمان تلاش کردند برخی نقدهای بی‌منطق را روانه رسانه ملی کنند، به وضوح مشخص شد که نبرد رسانه‌ای این روزها که سازمان صداوسیما با آن روبروست، در ادامه همان جنگی است که رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران به راه انداخته بودند.

در همین میان، عبارت «روایت غیرواقعی صداوسیما» سال‌هاست تبدیل به یکی از آشناترین و پرتکرارترین نقدها از سوی مخالفان رسانه ملی شده؛ عبارتی که تقریبا در هر دوره سیاسی، با شکل و شدت متفاوت تکرار می‌شود و دیگر فقط یک نقد ساده رسانه‌ای نیست بلکه به‌نوعی برچسب ثابت در ادبیات رسانه‌ای کشور تبدیل شده است. این نقد از دولت‌های مختلف گرفته تا دوره‌های تغییر مدیریت در رسانه ملی همیشه وجود داشته اما نکته مهم اینجاست که این نقد در بسیاری از موارد، بیش از آن‌که بر پایه تحلیل حرفه‌ای رسانه‌ای باشد، در دل رقابت روایت‌ها و دعوا بر سر «مرجعیت خبری» شکل گرفته. درواقع مسأله فقط یک رسانه نیست. مسأله این است که چه کسی تعریف می‌کند واقعیت چگونه دیده شود. چه چیزی پررنگ شود و چه چیزی در حاشیه بماند. همین، نقطه آغاز تمام اختلاف‌هاست؛ اختلافی که در ظاهر رسانه‌ای است اما در عمق خود کاملا به قدرت روایت و اثرگذاری بر افکار عمومی مربوط می‌شود. در این میان، صداوسیما با همه نقدها و حتی خطاهای احتمالی همچنان یکی از معدود نهادهایی است که در لحظات حساس کشور، نقش اصلی اطلاع‌رسانی را بر دوش می‌کشد. از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گرفته تا رخدادهای ملی و شرایط اضطراری، این رسانه عملا در موقعیتی قرار دارد که امکان خاموش شدن ندارد. یعنی حتی اگر زیر سنگین‌ترین فشارها و نقدها باشد، باز هم باید آنتن روشن بماند و جریان خبر و محتوا ادامه پیدا کند. همین ویژگی باعث شده صداوسیما فقط یک رسانه نباشد بلکه یک زیرساخت ارتباطی و اجتماعی تلقی شود.

رسانه‌ای در مرکز فشار

حمله و نقد به صداوسیما موضوع جدیدی نیست. در هر دوره تغییر مدیریتی یا حتی تغییر فضای سیاسی، موجی از نقدها، تحلیل‌ها و گاهی هجمه‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد. بخشی از این نقدها کاملا حرفه‌ای و قابل بررسی است اما بخش دیگری از آن، بیشتر شبیه رقابت رسانه‌ای برای تصاحب «روایت غالب» است تا نقد تخصصی. در این فضا، رسانه‌ها فقط عملکرد را بررسی نمی‌کنند بلکه تلاش می‌کنند روایت خودشان را به‌عنوان روایت اصلی جا بیندازند؛ روایتی که تعیین می‌کند جامعه چگونه یک اتفاق را بفهمد و تفسیر کند. از همین جا اختلاف شروع می‌شود. رسانه ملی از یک طرف باید پاسخگوی انتظارات گسترده داخلی باشد و از طرف دیگر با رسانه‌های متکثر داخلی و خارجی مقایسه می‌شود؛ رسانه‌هایی که هرکدام از زاویه خودشان به واقعیت نگاه می‌کنند و الزاما مسئولیت روایت جامع ملی را برعهده ندارند. طبیعی است در چنین شرایطی، هر انتخاب خبری یا هر نوع زاویه روایت، به‌سرعت تبدیل به موضوعی برای نقد یا حتی جدل رسانه‌ای شود.

روایت غیرواقعی؛ نقدی که همیشه بوده است

اگر کمی به عقب برگردیم، می‌بینیم بحث روایت غیرواقعی صداوسیما موضوع تازه‌ای نیست. این نقد در دولت‌های مختلف، در دوره مدیران قدیمی‌تر و حتی در سال‌های دورتر هم وجود داشته است. حتی در مقاطعی، فضای سیاسی و رسانه‌ای به‌جایی رسید که موضوعاتی مثل بودجه رسانه ملی یا تولید برخی سریال‌ها به‌شدت سیاسی و جنجالی شد؛ تا جایی که در یک دوره، ساخت سریالی مثل «گاندو» به یکی از محورهای فشار و بحث درباره صداوسیما تبدیل شد و در همان فضا حتی تعبیرهایی مثل «گروگان گرفتن بودجه رسانه ملی» هم مطرح شد. در کنار اینها یک نکته مهم معمولا کمتر دیده می‌شود؛ این‌که بخش زیادی از دیده شدن دستاوردهای کشور، از مسیر همین رسانه عبور کرده است. اگر صداوسیما و این حجم گسترده از پوشش خبری و برنامه‌سازی وجود نداشت، بسیاری از اقدامات اجرایی، برنامه‌های اقتصادی، طرح‌های اجتماعی و حتی پویش‌های ملی اصلا با این گستره در حافظه عمومی ثبت نمی‌شدند. از موضوعاتی مثل کالابرگ، یارانه‌ها، مسکن مهر، اقتصاد مقاومتی و پویش‌های صرفه‌جویی گرفته تا روایت جنگ‌ها و بحران‌ها و برنامه‌هایی مثل «جان‌فدا»؛ بخش زیادی از اینها فقط به این دلیل دیده شدند که آنتن رسانه ملی آنها را پوشش داد. با این حال همین تلاش‌ها در بسیاری مواقع کمتر دیده شده و در مقابل، بیشتر تمرکز بر نقدها و اتهام «روایت غیرواقعی» قرار گرفته است. اینجاست که شکاف میان «تلاش رسانه‌ای» و «برداشت عمومی از رسانه» شکل می‌گیرد.

صبر سازمانی و ادامه کار زیر فشار

حمله رسانه‌ای به صداوسیما و فشارهای بیرونی، همگی پدیده‌هایی هستند که سابقه طولانی دارند اما نکته قابل توجه این است که در تمام این سال‌ها، ساختار رسانه ملی دچار توقف یا فروپاشی نشده و کار آن ادامه پیدا کرده. حتی در شرایطی که برخی رسانه‌ها از اختلافات داخلی یا تغییرات مدیریتی به‌عنوان نشانه بحران یاد می‌کردند، در عمل تولید محتوا، پخش برنامه‌ها و فعالیت شبکه‌ها ادامه داشته است. جالب‌تر این‌که حتی در مواردی که برخی برنامه‌ها به‌دلیل خطا یا برداشت‌های حساس مورد نقد یا اصلاح قرار گرفته‌اند، روند کلی سازمان متوقف نشده و بیشتر تلاش شده با تذکر، اصلاح یا تعلیق محدود، مسیر ادامه پیدا کند. این موضوع نشان می‌دهد در نگاه مدیریتی، اصل بر حفظ انسجام و ادامه فعالیت است، نه توقف یا واکنش‌های هیجانی. در همین چارچوب، بارها تأکید شده که هدف اصلی رسانه ملی، حفظ انسجام اجتماعی و همدلی عمومی است؛ مفهومی که در ادبیات رسمی نیز به آن اشاره شده و بر آن تأکید وجود دارد. همین نگاه باعث شده حتی در شرایط سخت، اولویت اصلی توقف تنش‌های رسانه‌ای و جلوگیری از تشدید شکاف‌های اجتماعی باشد. در همین فضای پرتنش رسانه‌ای، فشارهای بیرونی بر صداوسیما را باید فراتر از یک اختلاف داخلی رسانه‌ای تفسیر کرد و آن را در امتداد یک جنگ روایت گسترده‌تر دید؛ جنگی که در آن رسانه‌های داخلی منتقد در کنار رسانه‌های خارجی و جریان‌های فراملی، هرکدام در یک میدان رقابتی قرار می‌گیرند و هر طرف تلاش می‌کند روایت خود را به‌عنوان روایت غالب تثبیت کند. در چنین نگاهی، این تقابل صرفا رسانه‌ای نیست بلکه بخشی از نزاع بزرگ‌تر بر سر شکل‌دهی افکار عمومی تلقی می‌شود؛ نزاعی که مرز آن با رقابت حرفه‌ای رسانه‌ای همیشه محل بحث بوده است.

آنتن همیشه روشن

یکی از واقعیت‌های کمتر دیده‌شده درباره صداوسیما این است که این سازمان در حالی حجم بسیار گسترده‌ای از مأموریت‌های خبری، فرهنگی، آموزشی و سرگرمی را برعهده دارد که منابع آن همیشه محدودتر از نیاز واقعی بوده است. گزارش‌های مختلف مدیریتی نیز نشان می‌دهد شکاف میان مأموریت‌ها و منابع همواره وجود داشته است. با این حال رسانه ملی تلاش کرده با مدیریت داخلی، هم‌افزایی میان بخش‌ها و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها، چرخه تولید و پخش را حفظ کند. نتیجه این رویکرد این بوده که حتی در شرایط سخت اقتصادی یا فشارهای بیرونی، آنتن رسانه خاموش نشده و جریان تولید محتوا ادامه پیدا کرده است.

فراتر از خبر نقش فرهنگی و اجتماعی

صداوسیما فقط یک رسانه خبری نیست؛ بخش مهمی از هویت آن در تولیدات فرهنگی و اجتماعی تعریف می‌شود. از سریال‌های تاریخی و مذهبی گرفته تا برنامه‌های طنز، کودک و نوجوان و مستندهای اجتماعی، این رسانه تلاش کرده بخش‌های مختلف جامعه را پوشش دهد. این تولیدات، فارغ از نقدهایی که به کیفیت یا جهت‌گیری آنها وارد می‌شود، بخشی از حافظه فرهنگی چند نسل را شکل داده‌اند. در نهایت، مسأله صداوسیما فقط یک اختلاف رسانه‌ای ساده نیست. آنچه در جریان است، نوعی رقابت گسترده‌تر بر سر «مرجعیت روایت» است؛ جایی که هر رسانه تلاش می‌کند واقعیت را از زاویه خودش تعریف کند و دیگری را به سوگیری متهم سازد. در این میان، صداوسیما با همه فشارها، نقدها و محدودیت‌ها همچنان یکی از بازیگران اصلی این میدان باقی مانده است. این رسانه هم در مرکز انتظار است، هم در مرکز نقد و هم در مرکز قضاوت اما در عین حال، همچنان فعال است، آنتنش روشن مانده و نقش خود را در چرخه اطلاع‌رسانی کشور ادامه می‌دهد. نقشی که چه موافق آن باشیم و چه منتقدش، نمی‌توان آن را در ساختار رسانه‌ای کشور نادیده گرفت.

برش

توضیحات صداوسیما درباره ادعاهای مطرح شده در بیانیه شورای اطلاع‌رسانی دولت پیرامون اتصال به اینترنت بین‌الملل

بیانیه‌ای خلاف شعارهای رئیس جمهور

روابط عمومی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، در پی انتشار «بیانیه تحلیلی شورای اطلاع‌رسانی دولت درباره اتصال به اینترنت بین‌المللی» و طرح برخی ادعاها در بخشی از آن درباره عملکرد رسانه ملی، به‌منظور تنویر افکار عمومی، توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در این خصوص توضیح نکات زیر ضروری است:

۱ آمادگی رسانه ملی برای شنیدن و انعکاس دیدگاه‌های رسمی دولت

باتوجه به شکل‌گیری مباحث حقوقی و حاکمیتی پیرامون «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور»، ازجمله اعتراضات به فرآیند تشکیل آن و نیز اعلام ابطال سند ایجاد ستاد و تصمیمات مترتب بر آن، رسانه ملی وفق وظایف قانونی و حرفه‌ای خود، پرداختن به ابعاد مسأله و روشنگری درباره آثار و پیامدهای آن را لازم دانست. بدیهی است رسانه ملی همواره بر این باور بوده که بررسی کامل و منصفانه هر موضوع ملی، بدون حضور مسئولان ذی‌ربط، به‌ویژه نمایندگان دولت ناقص می‌ماند. بر همین اساس، رویه ثابت و عمومی صداوسیما مبتنی بر دعوت از دست‌اندرکاران مرتبط و فراهم ساختن فرصت روشنگری و رفع شبهات یا دست یافتن به نقاط اشتراک و تفاهم است. در خصوص موضوع بیانیه اخیر شورای اطلاع‌رسانی دولت نیز انتظار می‌رفت پیش از نقد یادشده و بیش از اهتمام به ایراد نسبت‌های مطروحه در بیانیه، از ظرفیت رسانه‌ای صداوسیما برای تبیین مواضع دولت و روشن‌شدن ابعاد مختلف موضوع استفاده می‌شد.

۲ اقدامی که خود خلاف وفاق ملی است

در بیانیه شورای اطلاع‌رسانی دولت چنین القا شده که رسانه ملی صرفا دیدگاه مخالفان دسترسی به اینترنت بین‌الملل را بازتاب داده و برنامه‌ها را به بستری برای حمله سیاسی تبدیل کرده است؛ حال آن‌که این ارزیابی، بدون استناد دقیق، با محتوای برنامه انطباق ندارد. برنامه مورد اشاره اساسا بر ابعاد حقوقی و حاکمیتی رأی دیوان عدالت اداری درباره توقف موقت اجرای مصوبه تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» متمرکز بوده و پرسش اصلی آن، بررسی نسبت این ستاد با ساختار حکمرانی موجود، احتمال تداخل مأموریت‌ها با نهادهای بالادستی و چگونگی مواجهه با دستور موقت دیوان بوده است. ازاین‌رو، آنچه «حمله سیاسی» توصیف شده، درواقع طرح یک مسأله حقوقی و ساختاری بوده و به‌هیچ‌وجه به‌معنای «مخالفت با حقوق ارتباطی مردم یا دسترسی آزاد به اینترنت» نیست. بررسی رسانه ملی نیز ناظر بر ایرادات قانونی و حاکمیتی این ساختار تا زمان تعیین تکلیف قضایی بوده و تعبیر آن به نفی حقوق مردم، جابه‌جایی مسأله اصلی در افکار عمومی است، ضمن این‌که انتشار بیانیه شورای اطلاع‌رسانی دولت، برخلاف سیاست‌های کلی و فرامین رهبر شهید و مقام معظم رهبری مبنی بر جلوگیری از اختلاف و تفرقه و حتی مخالف شعارهای دولت و رئیس‌جمهور محترم با محوریت حفظ و تقویت اتحاد و همبستگی بوده و با اتهام‌زنی‌های بی‌اساس به‌دنبال اختلاف و تفرقه‌افکنی است و باعث دوقطبی در جامعه می‌شود.

گزارش

در و تخته؛ چفت و بستی که درست نشست

مجموعه شبکه ۲ تلاش کرده است موضوعات حساس را به شیوه‌ای درست مطرح کند

اکبر یداللهی
گروه رسانه



سراغ موضوعات سنگینی مثل «محرمیت»، «جابه‌جایی نوزاد» و... می‌رود، خطر عصبی و تلخ شدن بیش از حد فضا وجود دارد اما سادگی و صمیمیت نقش پدر (با بازی نادر فلاح و سیدعلی صالحی)، مثل یک لنگرگاه عمل می‌کند که مخاطب را در میان آن همه تنش، آرام نگه می‌دارد.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

این روزها تلویزیون با پخش سریال «در و تخته» حال‌وهوای تازه‌ای به خود گرفت و توانست نظر مخاطبان را به یک سریال خانوادگی متفاوت جلب کند. با جسارت دست روی موضوعی گذاشته که هم حساس است و هم به‌شدت ملموس؛ موضوعی که شاید سال‌ها کسی جرأت نمی‌کرد به این صراحت درباره‌اش حرف بزند. داستان با یک اتفاق تکان‌دهنده شروع می‌شود: جابه‌جایی دو نوزاد در بیمارستان که حالا بعد از ۱۷ سال لو رفته است. شاید بگویید این قصه قدیمی است اما هنر نویسندگان این سریال در اینجاست که ماجرا را از زاویه فرهنگ خودمان و مسائل شرعی و عرفی نگاه کرده‌اند. بحث «محرمیت» در این سریال، فقط یک کلمه در دفترچه فقه نیست؛ بلکه موتور محرک یک درام پرکشش است. وقتی حقیقتی فاش می‌شود، ناگهان فرزندی که ۱۷ سال در یک خانه بزرگ شده، با پدر و مادری که به او جان داده‌اند، نامحرم می‌شود. اینجاست که تعلیق قصه شروع می‌شود و مخاطب از خودش می‌پرسد: حالا باید چه کرد؟ شاید این سؤال پیش آید که چرا کارگردان سراغ چنین موضوع حساسی رفته است؟ در حالی که می‌شد دست به دامن موضوعات روتین و همیشگی رفت. پاسخ را باید در حرف‌های خود کارگردان جست‌وجو کرد. او می‌گوید جرقه اصلی کار از بیانات رهبری در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۲ خورده است؛ جایی که ایشان صراحتا درباره نیازهای جوان ۱۸ ـ ۱۷ ساله و ضرورت ازدواج بهنگام صحبت کرده بودند. این کلام برای کارگردان حکم یک «مجوز جسارت» را داشته است. سریال درواقع می‌خواهد بگوید که گاهی پنهانکاری‌های ما به اسم مصلحت، چه آسیب‌های بزرگی به زندگی جوانان می‌زند. در و تخته آینه‌ای است که جلوی ما قرار گرفته تا یادآوری کند صداقت، هرچند تلخ، تنها راه نجات است. یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت این مجموعه، کوتاهی آن است. در شرایطی که سریال‌های ۲۶ یا ۴۰ قسمتی گاهی حوصله آدم را سر می‌برند، اخیرا رسانه ملی سراغ مینی‌سریال‌های کوتاه رفته (مثل سریال هشت قسمتی مادران یا صدای قلب من که هفت قسمتی است) تا نگذارد حوصله مخاطب سر برود و از خیر تماشای سریال بگذرد. ۱۱ قسمتی بودن این سریال نیز یک پیام روشن دارد: ما وقت شما را تلف نمی‌کنیم. از سوی دیگر، وقتی سریالی

جام جم
رسانه
MEDIA
۳
سه‌شنبه ■ ۱۲ خرداد ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۳۵

یادداشت

دکتر سیدمرتضی موسویان | رئیس هیأت مدیره انجمن سواد رسانه‌ای ایران

رسانه ملی در میدان مسئولیت

این روزها بحث‌هایی پیرامون عملکرد رسانه ملی مطرح و توسط برخی روزنامه‌ها منتشر شده است. لازم می‌دانم این نکته را مطرح کنم که با توجه به شرایط حساس کنونی و برخی ملاحظات امنیتی، نمی‌توان از صداوسیما انتظار داشت هر آنچه رخ می‌دهد را بی‌کم‌وکاست منتشر کند. همین روزنامه‌هایی که چنین انتقادهایی را به صداوسیما تیتر می‌کنند، خودشان هر خبر را بدون ملاحظات حرفه‌ای چاپ می‌کنند؟ هر مطلبی که به دست این روزنامه‌ها می‌رسد را منتشر می‌کنند یا سازوکاری برای انتشار مطالب، اخبار و عکس درنظر دارند؟!

واقعیت این است که کشور شرایط خاصی را می‌گذراند. ما با محاصره دریایی مواجه هستیم و تمام تلاش مسئولان کشور این بوده و هست که مردم از نظر دسترسی به ارزاق عمومی دچار مشکل نشوند که موفقیت در این زمینه نیز کاملا مشهود است. در کنار آن، مسأله گرانی هم یک مسأله جدی است؛ مسأله‌ای که از زبان معاون اول رئیس‌جمهور و وزرا شنیده‌ایم و مردم نیز به شکل عینی با آن روبه‌رو هستند.

اما نکته مهم اینجاست: وقتی روایت‌ها از محل وقوع منعکس می‌شود، برای بازگویی آنها باید بسیار دقت کرد. این روایت‌ها را راویانی بیان می‌کنند که در صحنه حضور دارند، بنابراین نمی‌توان در چنین روایت‌هایی دچار تصرف یا جابه‌جایی شد. اگر موضوع بحث ما تحلیل‌ها باشد، تحلیل‌ها طبیعتا باخبر و روایت تفاوت دارند. تحلیل‌ها و تعبیرها می‌توانند آینده را ببینند یا حال را براساس علائم موجود به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کنند و این امر به کسی برمی‌گردد که تحلیل را ارائه می‌دهد؛ این‌که نوع نگاه او به مسأله چگونه است و از چه زمینه‌هایی برای تحلیل استفاده می‌کند. اگر نوع نگاه و اعتقاد نسبت به یک موضوع متفاوت باشد، تحلیل هم متفاوت خواهد شد.



آنچه امروز باید گفت این است که رسانه ملی با همه تلاشی که دارد، با طیف وسیعی از جریان‌های رسانه‌ای روبه‌روست؛ رسانه‌های خارجی قدرتمندی که دارای استراتژی واحد هستند. وقتی درباره موضوعی مشخص تلاش می‌کنند افکار عمومی را به نقطه خاصی همگرا کنند، دقیقاً همین همگرایی را مشاهده می‌کنید و تا حد زیادی هم این رویکرد با موفقیت همراه بوده است.

نکته دیگر این است که امروز دیگران هم به کمک رسانه می‌آیند و انتظار از روزنامه‌های کثیرالانتشار که دارای سایت و خط‌مشی هستند این است که آنها هم وارد میدان شوند، کمک کرده و تلاش کنند در یک همگرایی، خروجی خود را به‌درستی نشان دهند و به اختلافاتی که امروز اساسا صلاح نیست به آنها پرداخته شود، دامن نزنند. وحدت، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، باید به‌عنوان تکلیف درنظرگرفته شده و حفظ آن از واجبات دانسته شود. این‌که برخی سیاستگذاران با توجه به گستردگی مأموریت‌هایی که دارند، انتظاراتی از رسانه ملی داشته باشند و بخشی از آن انتظارات برآورده نشده باشد، کاملا طبیعی است. با وجود این، حجم زیاد عملیات و وضعیت خاص کشور اقتضا می‌کند که نگاه ما نیز همه‌جانبه باشد.

در عین‌حال، طبیعی است که روایت‌ها و خبرها همیشه یک‌دست نباشند. امروز قلم در دست افراد مختلف است و آنها نظرات مختلف دارند و این نکته در رسانه مثبت تلقی می‌شود. وقتی می‌خواهند همان هرم وارونه خبر را تنظیم کنند، هر فردی ممکن است خبر را به‌گونه‌ای خاص و متناسب با رویکردهای خودش تنظیم کند؛ همان‌طور که در خبرگزاری‌های خارجی هم چنین چیزی را می‌بینیم. در روزنامه‌نگاری و عالم رسانه نمی‌شود بی‌نظر و بی‌نیت بود. روزنامه‌هایی هم که انتقاد کرده‌اند بی‌نظر و بی‌موضع نیستند اما باید به این موضوع توجه کرد که امروز، در شرایط فعلی، از دامن زدن به مواردی که وحدت را هدف می‌گیرد، پرهیز کنند و درعین‌حال برای رساندن خبر براساس اصول حرفه‌ای به مخاطب در تکاپو باشند.

سرمایه اجتماعی امروز و قشر خاکستری به سمت رسانه ملی بازگشته‌اند و باید این سرمایه حفظ شود؛ بنابراین رسانه ملی را مرجع قرار دهیم و صداوسیما در این زمینه بلامنازع باشد.